



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
آگست ۲۰۲۰

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، هر سه ماه یکبار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسئولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر در بهار سال ۲۰۱۶ آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعالیم برادر برانهم و نشان دادن واضح آن تعالیم می‌باشد. این مسئولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه آگست، دو موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. مرجع رسالتی کتاب مقدس
۲. شریعت گرای و تشبیه ۵:۲۲

پس از بررسی حاکمیت کلیسایی که توسط شاگردان خداوند ما عیسی مسیح انجام شد، شورای اورشلیم تصمیم مهمی در مورد شریعت غیریهودی‌ها و یهودی‌ها گرفت. در عهد جدید کلام خدا به رسولان رسید. آنها کلام را به گوش مردم رساندند. آنها کلیساهای محلی تأسیس کردند و به سوی ایجاد کلیساهای محلی بیشتر قدم برداشتند. با این حال از اقتدار خود در امور روزمره کلیساها استفاده نمی‌کردند. مشایخی که برای نظارت بر کلیساهای محلی مقرر شده بودند، موظف به انجام این کار بودند. کار شاگردان هشدار، نصیحت، تعلیم، تجهیز و توبیخ جماعت محلی بود.

برخی از پژوهشگران بر این باورند که یک شورای اسرائیلی اداره‌ی کل کلیسا را برعهده داشت و کلیسا از احکام آن پیروی می‌کرد. و نقل شده که کتاب مقدس این دیدگاه را نشان اورشلیم می‌دهد:

"آنگاه رسولان و کشیشان با تمامی کلیسا بدین رضا دادند که چند نفر از میان خود انتخاب نموده، همراه پولس و برنابا به انطاکیه بفرستند، یعنی یهودای ملقب به برسابا و سیلاس که از پیشوایان برادران بودند." اعمال رسولان ۱۵:۲۲

بیاید به موقعیت‌هایی که کلیسای اولیه در آنها بود نگاه دقیقی داشته باشیم. ابتدا، قصد دارم جزئیاتی را پیرامون آن بررسی کنم. پولس رسول و برنابا در سرزمین‌های یونانی سفر کردند و کلیساها را بنا کردند. آنها پس از تأسیس کلیسا، برای هر محل مشایخ مقرر کردند. این مردان باید با هم به کلیسای محلی خدمت می‌کردند. پولس رسول چند ویژگی لازم را برای مشایخ محلی قرار داد: اول تیموتائوس ۳:۲-۷. کلیسا

کتاب مقدس لحاظ شده است) به جهت آموزه (تعلیم)، تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است. پس آیا ما باید آن تعالیم و تنبیه و اصلاح و تربیت عهد عتیق را نادیده بگیریم؟

وقتی ما به تثبیه ۵:۲۲ بعنوان منعی علیه پوشش مردانه زنان و پوشش زنانه مردان رجوع می‌کنیم، به این عمل شریعت‌گرایی اطلاق می‌شود. به یاد داشته باشید که کتاب مقدس چیزی را که قبلاً برای یادگیری ما نوشته شده بود، می‌گوید. ما می‌توانیم به منظور یادگیری به کتب مقدس بعنوان یک اصل و مرجع کتاب مقدسی رجوع کنیم. اگر محتوای تثبیه ۲۲ را بخوانید، مشاهده می‌کنید که فرامین اخلاقی زیادی داده شده و فرامین کمتری در رابطه با پوشش آمده است. برخی از اینها اخلاقی و برخی از آنها آئینی هستند. می‌توانیم به همه‌ی آنها به منظور یادگیری، بعنوان نمونه‌ی روحانی و گاهی بعنوان عباراتی نبوتی نگاه کنیم. پولس از آیه‌ی "گاو را هنگامی که خرمن را خرد می‌کند، دهان مبنده" (اول قرنتیان ۹:۹) بعنوان یک فرمان استفاده کرد تا به یک خادم انجیل هدیه بدهد.

استفاده از کتاب تثبیه ۵:۲۲ بعنوان یک نمونه یا تعلیمی که ما از آن پیروی کنیم، کاملاً در کاربرد هنجاری عهد عتیق قرار دارد. این ارجاعی به شریعت‌گرایی نیست. این یک تعلیم است. و مانند هر تعلیم دیگری در کتاب مقدس، باید بر طبق عهد و پیمان جدید با قلب و از طریق روح خدا اطلاعات گردد.

شریعت صرفاً بیان خشم خداوند در برابر گناه نیست، بلکه اراده‌ی ابدی او برای مردمان خود است.

خارج از ده فرمان

وقتی از شریعت صحبت می‌کنیم اشاره ما فقط به ده فرمان نیست. فرامین اخلاقی زیاد دیگری وجود دارد که خارج از فرامین، به شریعت مرتبط است. براساس عهد و پیمان جدید، ما نمی‌توانیم از رویکرد شریعت مبنی بر اجبار استفاده کنیم. بلکه توسط روح‌القدس می‌توانیم اصول کتاب‌مقدس لازم را که باید پیروی کنیم، تشخیص دهیم. فقط به این دلیل که ما زیر شریعت نیستیم، بدان معنا نمی‌باشد که فرامین خداوند را بی‌اعتبار شمرده و آنها را نادیده بگیریم. این دقیقاً به همان نحوی است که پولس رسول از کتب مقدس یهودی (کتاب عهد عتیق) استفاده کرد و نوشت:

"زیرا همه‌ی چیزهایی که از قبل مکتوب شد، برای تعلیم ما نوشته شد، تا به صبر و تسلی کتاب امیدوار باشیم." رومیان ۴:۱۵

پولس در سفارشات خود به تیموتائوس درباره‌ی کتب مقدس موجود در آن زمان می‌نویسد، آنچه ما عهد عتیق می‌نامیم:

"تمامی کتب از الهام خداست و به‌جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است، تا مرد خدا کامل و به‌جهت هر عمل نیکو آراسته بشود." دوم تیموتائوس ۳:۱۶-۱۷.

او به تیموتائوس می‌آموزد که عهد قدیم (بدیهی است که عهد جدید اکنون در

نیز باید ری خود را در انتخاب شماسانی که به نیازهای مشایخ و اعضای کلیسای محلی رسیدگی می‌کردند، می‌داد.

دیری نگذشت که در این کلیساهای محلی تفرقه افتاد، چون آنها متشکل از یهودی‌ها و غیریهودی‌ها بود. یهودی‌ها شریعت معینی داشتند که احساس می‌کردند باید از آن پیروی شود، اما غیریهودی‌ها مخالف آن بودند. یهودی‌ها شروع به اعمال قدرت کردند و از غیریهودی‌ها خواستند که از شریعت موسی پیروی کنند.

بخاطر اختلاف پیش آمده، مشایخ کلیساهای محلی تصمیم گرفتند پولس و برنابا را به اورشلیم بفرستند تا با رسولان مشورت کنند:

"چون پولس و برنابا را منازعه و مباحثه بسیار با ایشان واقع شد، قرار بر این شد که پولس و برنابا و چند نفر دیگر از ایشان نزد رسولان و کشیشان در اورشلیم برای این مساله بروند." اعمال رسولان ۱۵:۲

مشایخ محلی

[تعریف: کلیسای محلی نباید بعنوان یک کلیسا در یک سرزمین یا منطقه‌ای خاص تصور شود. کلیسای محلی دقیقاً همین است. گروهی از مردم که برای پرستش در محلی معین جمع می‌شوند. یک شهر و یا اگر شهر خیلی بزرگ است، ناحیه‌ی مشخصی از آن شهر را شامل می‌شود.]

مشایخ محلی این تصمیم را بدون هیچ اجباری از سوی پولس و برنابای رسول گرفتند. مشایخ انطاکیه تصمیم به فرستادن رسولان گرفتند. رسولان تصمیم‌گیری

نمی‌کردند و یا کلیساهای محلی را مجبور به اطاعت از تصمیمات خود نمی‌کردند. اگرچه پولس رسول امت‌ها بود و کلام عهد جدید به او داده شد، لیکن او باید از فرمان کلیسای محلی انطاکیه اطاعت می‌کرد و به اورشلیم می‌رفت. چرا کلیسای انطاکیه از رسولان و کشیشان در اورشلیم خواست تا درباره موضوع تصمیم بگیرند؟ اورشلیم مکانی بود که در ابتدا انجیل از آنجا آمد و رسولان مردانی بودند که همراه عیسی مسیح بودند و اولین اشخاصی بودند که بواسطه‌ی او فرستاده شدند تا خبر خوش انجیل را به سرتاسر جهان برسانند. عهد جدید در آن زمان کامل و گردآوری نشده بود. در آن زمان به تنها مرجعی که می‌توانستند رجوع کنند، شاگردان نخستین بودند، آنها که همراه عیسی بودند. آنها عهد جدید را نداشتند.

آنها چگونه این اختلاف را حل کردند: پطرس ایستاد و شهادت داد که خداوند چطور با او در ارتباط بود تا انجیل را برای نخستین بار برای امت‌ها بیاورد. سپس یعقوب پاسخ داد و در حمایت از سخنان پطرس صحبت کرد و چندین مورد را به منظور حفظ صلح در کلیساها بین یهودی‌ها و غیریهودی‌ها اضافه کرد.

کل کلیسا

با دقت به کلماتی که نوشته شده است توجه کنید: "آنگاه رسولان و کشیشان با تمامی کلیسا بدین رضا دادند..." پطرس صحبت کرد، یعقوب موافق بود و یک پیشنهاد داد، سپس رسولان، مشایخ و کل کلیسای اورشلیم موافقت کردند. کلیسای اورشلیم رأی صادر کرد. این حکمی نبود که صرفاً توسط یک نفر صادر شود، بلکه توسط کل کلیسا ایجاد و صادر شد.

بیاد آورید که مشایخ کلیساهای محلی دارای اقتدار در کلیساهای محلی بودند.

اگر شریعت را نادیده بگیریم، دایه را نادیده گرفته ایم که ما را به مسیح می‌رساند. (غلاطیان ۲۴:۳-۲۵). ما آنچه را که برای جلوگیری از گناه استفاده می‌شود، از دست می‌دهیم؛ و بخشی از کلام خداوند را از دست می‌دهیم که باید پیرو آن باشیم. روح خدا قدرت می‌دهد و ما را قادر می‌سازد تا از شریعت اخلاقی و معنوی خدا پیروی کنیم و می‌دانیم که شریعت در این خلاصه می‌شود. "زیرا که تمامی شریعت در یک کلمه کامل می‌شود یعنی در اینکه همسایه‌ی خود را چون خویشتن محبت نما." (غلاطیان ۱۴:۵). زمانی که به مسیح ایمان آوردیم، دیگر زیر دایه نیستیم. لیکن این بدان معنا نیست که دیگر نیازی به دایه نداریم و یا اینکه تمام چیزهایی که دایه گفت را فراموش کنیم. بلکه بدان معنی است که ما فارغ‌التحصیل شده و می‌توانیم آموخته‌های خود از دایه را در زندگی خود بکار بگیریم. در واقع، در فیض، ما توسط روح‌القدس قدرت یافته و قادر می‌شویم تا آن را عملی سازیم.

از آنجا که ما در فیض هستیم، این بدان معنی نیست که می‌توانیم شریعت را رها کنیم و اظهار کنیم که دیگر کاربردی ندارد. شریعت برای افراد ناعادل و گناهکار وضع شده است. این بدان معنا نیست که برای آدم‌های عادل نیست. بلکه بدان معناست که شریعت مانعی برای افراد پارسا نخواهد بود. و مردم پارسا باید از آن پیروی کنند. طبق شریعت این کار با اجبار انجام می‌شد و در فیض بواسطه‌ی عمل روح‌القدس انجام می‌شود. شریعت نادیده گرفته نمی‌شود.

"لیکن می‌دانیم که شریعت نیکو است، اگر کسی آن را برحسب شریعت بکار برد.^۹ و این بدانند که شریعت به‌جهت عادل موضوع نمی‌شود، بلکه برای سرکشان و طاغیان و بی‌دینان و گناهکاران و ناپاکان و حرامکاران و قاتلان پدر و قاتلان مادر و قاتلان مردم^{۱۰} و زانیان و لواطان و مردم دزدان و دروغگویان و قسم دروغ خوران و برای هر عمل دیگری که برخلاف تعلیم صحیح باشد." اول تیموتائوس ۱:۸-۱۰

اطاعت از کتاب مقدس، شریعت گرایی نیست. چگونگی اجرای آن و نگرش‌هایی که همراه آن است، می‌تواند بعنوان شریعت گرایی توصیف شود.

شریعت کامل و مقدس است. اما نحوه‌ی اجرای آن این‌گونه نیست و نوعی که آنها با دیگران رفتار کردند، شریعت گرایی بود. شریعت به منظور اعطای حیات ابدی به انسان داده شد (رومیان ۱۰:۷). شریعت روحانی است و ما جسمانی هستیم و زیر گناه فروخته شده‌ایم؛ بنابراین، آنچه برای حیات مقدر شده بود، سبب موت شد. عهد جدید باید توسط روح خدا به قلب ما داده شود. ما شریعت خدا را توسط مختون کردن دل اطاعت می‌کنیم. با این حال کاملاً واضح است که رسولان فرامین مورد نظر خدا را به ما دادند، فرامینی که او از ما می‌خواهد تا از آنها پیروی کنیم. همان‌گونه که پولس نوشته است، به تمامی دل مطیع آن تعلیم گشتیم که به ما سپرده شد. در عهد جدید ریشه‌ی اطاعت عطیه‌ی روح القدس است، نه فشار و جبر خارجی؛ بلکه، این هدایت و عزم درونی از جانب خداست.

ایمان گرایی

ایمان گرایی کلمه‌ی بزرگی است، اما از آن فرار نکنید. بسیاری از ایمانداران پیشین به پیغام و بسیاری از مسیحیان به دلیل همین موضوع ایمان‌گرا شده‌اند. در اینجا تعریف فرهنگ لغت وبستر در سال ۱۸۲۸ از ایمان گرایی آورده شده است. "فرقه‌ای که باور دارد بر حسب معافیت موجود در انجیل، شریعت عبث و غیر ملزم است؛ یا کسی که دارای تعلیمی است که ضرورت اعمال نیک و زندگی مقدس را کنار می‌گذارد. این فرقه در حدود سال ۱۵۳۸ توسط جان آگریکلا تشکیل شد."

ایمان گرایی: "فرقه‌ای که باور دارد بر حسب معافیت موجود در انجیل، شریعت عبث و نا لازم است..."

وقتی مسئله مهمی مطرح می‌شود، نباید توسط یک شخص یا فقط مشایخ تصمیم گرفته شود. کل کلیسا باید رأی دهند و درباره‌ی اختلافات به توافق برسند. دوم اینکه، این یک موضوع تعلیمی بود که به رأی‌گیری گذاشته شد و یک جواب در قبال اختلافات موجود در انطاکیه، سوریه و سیلیسیا داشت.

رسولان در اورشلیم تصمیم نمی‌گرفتند که چه کسی در کلیساهای محلی خادم باشد یا نباشد. کشیشان از پیش توسط کلیسای محلی منصوب و تأیید شده بودند.

هیچ موقعیتی نظارت یک سیستم خارجی بر کل کلیسای جهان را معین نکرد. هر کلیسای محلی دارای رهبری مستقل است که درباره‌ی امور تصمیم می‌گیرد. یک شخص و یا گروهی از مردان نباید درباره‌ی مسائل تعلیمی کلیسا تصمیم بگیرند.

متأسفانه شورای نیقیه و دیگر شوراها از این الگو به شکل انحرافی حکومت اسقفی کلیسا استفاده کرد تا در مورد آموزه‌های خدا و آموزه‌های عیسی تصمیم‌گیری کند. مدل اسقفی حکومت موقعیتی است که اسقف‌ها ناظر کلیساهای محلی هستند که توسط مشایخ محلی اداره می‌شوند. اسقف‌های منطقه‌ای برای تصمیم‌گیری در مورد اختلافات آموزه‌ای به نیقیه، قسطنطنیه و غیره اعزام شدند. آنها از الگوی کتاب مقدس پیروی نمی‌کنند.

در حقیقت جایی و موقعیتی را نمی‌یابیم که یک کلیسای مشخص با رسولی معین (اورشلیم با رسولانی که توسط خود عیسی برگزیده شده بودند) برای حل و فصل مشاجرات تعلیمی معین شده باشد. حال، هر کلیسای محلی باید توسط کشیشانی اداره می‌شد که از طرف اعضای کلیسای محلی برگزیده و انتخاب شده بودند. این ملاقات در اورشلیم توسط رسولان پطرس و یعقوب رهبری شد، اما کل کلیسا با یکدیگر جمع شدند و تصمیم‌گیری کردند.

الگویی که در کتاب مقدس مشاهده می‌کنیم، این است که خداوند مردان برگزیده، انبیا و یا در دوره‌ی کلیسا، اصلاح طلبانی را فرستاد تا اصلاحات تعلیمی را به کلیساهای سراسر دنیا برسانند.

مقرر کردن کشیشان

پولس از تیطس درخواست کرد تا کشیشان را مقرر کند. اما منظور از مقرر کردن کشیشان چیست؟

"بدین جهت تو را در کریت واگذاشتم تا آنچه را که باقی‌مانده است اصلاح نمایی و چنان که من به تو امر نمودم، کشیشان در هر شهر مقرر کنی." تیطس ۱:۵

نباید چنین تصور کرد که تیطس به تنهایی کشیشان را انتخاب کرده است، بلکه او به کلیساهای محلی کمک کرد و ناظر بر این روند بود. این کلیسای محلی بود که در مورد پذیرش یا عدم پذیرش افراد مشخص بعنوان کشیش رأی می‌داد.

"و در هر کلیسا بجهت ایشان کشیشان معین نمودند و دعا و روزه داشته، ایشان را به خداوندی که بدو ایمان آورده بودند، سپردند." اعمال رسولان ۱۴:۲۳

عبارت «مقرر کردن» به زبان یونانی به معنای یاری‌دهنده یا رأی‌دهنده می‌باشد. آنها با پیروی از نمونه‌ی پولس، مردانی با استعداد پیدا کرده و رأی‌گیری کلیسای محلی را اداره کردند.

دست‌گذاری تأیید نهایی محسوب می‌شد. پولس و برنابا حرف آخر را درباره‌ی موضوع نمی‌زدند، بلکه اعضای کلیسای محلی.

بودند که کاملاً نجیبانه بود. اما کسانی که در پیغام هستند، زنی را که شلوار پوشیده محکوم می‌کنند. چنین شریعت‌گرایی در چهارچوب عهد جدید کلیسا مناسب نیست."

نجابت

من نیز برخی از ایمانداران به پیغام را که لباس‌های نانجیبانه می‌پوشند، دیده‌ام، معمولاً این کار عمدی نیست. آنها پیرو «قانون» پوشیدن دامن یا لباس بلند هستند. مشکل این است که آنها به محدودیت‌های مشخصی فکر می‌کنند. آنها به نجابت فکر نمی‌کنند. این نکته اول است. به آنها تعلیم داده نشده که ریشه‌ی آن فرمان مشخص، نجابت است.

در فرهنگ غربی، ریشه‌ی شلوار در جنبش فمینیستی است و توسط طراحان مد همجنس‌گرا در اروپای غربی، به ویژه فرانسه به جامعه‌ی عمومی تزریق شد. دقیقاً مانند صنعت لباس شنا در ایالات متحده، طراحان شلوار به دنبال رسیدن به هدف خاصی بودند. در اول تیموتائوس ۲:۹، پولس رسول دستور داد که زنان، کاتاستول ساده بپوشند (جامه در نسخه کینگ جیمز). این اصطلاح به نوعی در رابطه با لباسی که در حقیقت لباس بلند است بکار می‌رود. این اصطلاح عمومی پوشش در یونانی نیست (هیتاتیسوس) که بعنوان لباس در انتهای آیه ترجمه شده است.

شریعت‌گرایی

"اما شکرخدا را که هرچند غلامان گناه می‌بودید، لیکن الان از دل، مطیع آن صورت تعلیم گردیده‌اید که به آن سپرده شده‌اید." رومیان ۱۷:۶

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که کشیش را نمی‌توان با «دستور» یک رسول از کلیسا اخراج کرد. کلیسای کل محلی، باید به حذف یک شخص رأی دهد. حتی یوحنا رسول نیز دیوترفیس را از مقام کشیش محلی کنار نگذاشت.

اقتدار رسولان در هشدار دادن، اشاره به خطاها، بنا و رشد در ایمان، تویخ، رویارویی و تجهیز ایمانداران است، و در نتیجه کلیساهای محلی باید بیازمایند. "... آنانی را که خود را رسولان می‌خوانند و نیستند آزمودی و ایشان را دروغگو یافتی." مکاشفه ۲:۲. این موضوع مربوط به ایمانداران کلیساهای محلی و در تعامل با کشیشان آنهاست که پیرو کلام خدا باشند، همان‌گونه که به آنها داده شد.

کلام خدا بر رسولان آمد و به کلیسا تحویل داده شد. موضوع فقط دریافت کلام نجاتی بود که از طریق رسولان آمد. اما تصمیمات کلیساهای محلی توسط کشیشان گرفته می‌شد و موضوعات مهم باید به رأی‌گیری توسط تمام کلیسای محلی گذاشته می‌شد.

شریعت گرایی و تثبیه ۵:۲۲

می‌خواهم در این شماره از مقاله‌ام به نظری که از یک ایماندار سابق به پیغام دریافت کردم بپردازم. نظر او در خصوص عفت و شلوار بود. او به‌طور ویژه‌ای به نحوه‌ی استفاده‌ی ما از تثبیه ۵:۲۲ اشاره کرد.

ایماندار سابق به پیغام: "من زنانی معتقد به پیغام را دیده‌ام که لباس‌هایی کاملاً نانجیبانه می‌پوشند و همچنین زنانی را دیده‌ام که به پیغام معتقد نیستند و شلواری پوشیده

عهد جدید در هیچ جا از اخراج یک ایماندار از کلیسای محلی یا حذف کردن یک شبان یا کشیش محلی از خدمت حمایت نمی‌کند.

"^۸ به کلیسا چیزی نوشتم، لکن دیوترفیس که سرداری بر ایشان را دوست می‌دارد ما را قبول نمی‌کند،^۹ لهنذا اگر آیم کارهایی را که او می‌کند به یاد خواهیم آورد زیرا به سخنان ناشایسته بر ما یاهو گویی می‌کند و به این قانع نشده، برادران را خود نمی‌پذیرد و کسانی را نیز که می‌خواهند، مانع ایشان می‌شود و از کلیسا بیرون می‌کند." سوم یوحنا ۱:۸-۹

یوحنا تصمیم داشت دیوترفیس را در عموم مورد تویخ قرار دهد. با این حال می‌خواهم به این نکته توجه کنید که او نمی‌گوید که می‌خواهد او را از خدمت خارج کند. او به سادگی گفت که آنچه را که انجام می‌دهد، علناً مطرح خواهد کرد. مسئولیت این موضوع با کلیسای محلی بود که تصمیم بگیرد چه کاری در مورد دیوترفیس باید انجام شود. با این حال، طبیعت دیوترفیس این بود که افرادی که «فرامین» او را پیروی نمی‌کردند، از کلیسا اخراج کند. دیوترفیس بعنوان کشیشی نامشروع به کلیسا نمی‌آمد. به نظر می‌رسد او بعنوان کشیشی مقرر شده در کلیسای محلی بود. یوحنا نمی‌گوید که او را حذف می‌کند، بلکه او را علناً مورد تویخ قرار می‌دهد.

"که از آن جمله هیمیناوس و اسکندر می‌باشند که ایشان را به شیطان سپردم تا تأدیب شده، دیگر کفر نگویند." اول تیموتائوس ۱:۲۰

پولس آنها را از کلیسا طرد نکرد. آنها را به منظور تنبیه، به شیطان تحویل داد تا تأدیب و اصلاح خدا را دریافت کنند. سپردن آنها به شیطان به منظور کنار رفتن جسم اقتداری بود که پولس در این مورد بکار برد.

کلیسای محلی باید در مورد اخراج شخص مورد صحبت تصمیم می‌گرفت.

"پس از میلپتس به افسس فرستاده، کشیشان کلیسا را طلبید. "اعمال رسولان ۱۷:۲۰"

^{۲۸}پس نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح‌القدس شما را بر آن اسقف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را رعایت کنید که آن را به خون خود خریده است. ^{۲۹} زیرا من می‌دانم که بعد از رحلت من، گرگان درنده به میان شما درخواهند آمد که بر گله ترحم نخواهند نمود، ^{۳۰} و از میان خود شما مردمانی خواهند برخاست که سخنان کج خواهند گفت تا شاگردان را در عقب خود بکشند. "اعمال رسولان ۲۸:۲۰-۳۰"

ایشان مردانی بودند که از میان رهبری بر حق و منتخب کلیسای محلی برخاستند. پولس به دنبال این نبود که آنها که هستند. عیسی نیز با علم به اینکه یهودا از آن شیطان است، او را اخراج نکرد. پولس به سادگی مردان را نصیحت کرد و هشدار داد تا آنها درک کرده و بتوانند به درستی شرایط را اداره کنند.

اخراج: عملکرد کلیسای محلی

"و اگر سخن ایشان را رد کند، به کلیسا بگو. و اگر کلیسا را قبول نکند، در نزد تو مثل خارجی یا باجگیر باشد. "انجیل متی ۱۸:۱۷"

اخراج کردن عملی است که توسط کل کلیسا انجام می‌شود، نه توسط یک فرد یا یک شورا. آن را به کلیسا بگو و اجازه دهید در نزد تو مثل خارجی یا باجگیر باشد. به عبارت دیگر، اعضای کلیسا باید تا زمان توبه‌ی آن شخص، از او دوری کنند.

"لکن ای برادران! از شما استدعا می‌کنم آن کسانی را که منشا تفاریق و لغزش‌های مخالف آن تعلیمی که شما یافته‌اید می‌باشند، ملاحظه کنید و از ایشان اجتناب نمایید. "رومیان ۱۶:۱۷"

برادران کلیسا باید افرادی را که آموزه‌های غلط را تعلیم می‌دهند، شناسایی و از آنها دوری کنند. باز هم، نوع دیگری از اخراج شدن از کلیسا. پولس نه به دنبال آنهاست و نه با یک شخص صحبت می‌کند. در عوض، این وظیفه‌ی کل کلیسا است.

^{۱۹} و در عیسی خداوند امیدوارم که تیموتاوس را به زودی نزد شما بفرستم، تا من نیز از احوال شما مطلع شده، تازه روح گردم. ^{۲۰} زیرا کسی دیگر را هم‌دل ندارم که به اخلاص درباره‌س شما اندیشد. ^{۲۱} زان‌رو که همه نفع خود را می‌طلبند، نه امور عیسی مسیح را. ^{۲۲} اما دلیل او را می‌دانید، زیرا چنان‌که فرزند پدر را خدمت می‌کند، او با من برای انجیل خدمت کرده است. ^{۲۳} پس امیدوارم که چون دیدم کار من چطور می‌شود، او را بی‌درنگ بفرستم. ^{۲۴} اما در خداوند اعتماد دارم که خود هم به زودی بیایم. ^{۲۵} ولی لازم دانستم که ابفردتس را به سوی شما روانه نمایم که مرا برادر و همکار و هم‌جنگ می‌باشد، اما شما را رسول و خادم حاجت من. ^{۲۶} زیرا که مشتاق همه‌ی شما بود و غمگین شد از اینکه شنیده بودید که او بیمار شده بود. ^{۲۷} و فی‌الواقع بیمار و مشرف بر موت بود، لیکن خدا بر وی ترحم فرمود و نه بر او فقط، بلکه بر من نیز تا مرا غمی بر غم نباشد. ^{۲۸} پس به سعی بیشتر او راروانه نمودم تا از دیدنش باز شاد شوید و حزن من کمتر شود. ^{۲۹} پس او را در خداوند با کمال خوشی بپذیرید و چنین کسان را محترم بدارید، ^{۳۰} زیرا در کار مسیح مشرف بر موت شد و جان خود را به خطر انداخت تا نقص خدمت شما را برای من به کمال رساند. "فلیپیان ۲:۱۹-۳۰"